کسب و کار

شاید درآمد کمتر برایتان بهتر است!

کورت ونه‌گات و جوزف هلر، نویسندگان و طنزپردازان فقید آمریکایی، در یک مهمانی مناسبتی شرکت کرده بودند که توسط مدیر میلیونر یک صندوق سرمایه‌گذاری تامینی برگزار شده بود. ونه‌گات از هلر سوالی پرسید: «جو، از دانستن اینکه میزبان ما، همین دیروز نسبت به کل فروش رمان «تبصره ۲۲» تو پول بیشتری به دست آورده چه حسی داری؟»
هلر پاسخ داد: «خب، من چیزی دارم که او هیچ‌گاه نمی‌تواند آن را داشته باشد.»
ونه‌گات پرسید: «آخر تو چه می‌توانی داشته باشی که او نتواند آن را به دست آورد؟»
هلر: «دانستن اینکه داشته‌هایم کافی است.»
من عاشق این داستان هستم. کافی بودن یا آن‌طور که در این کتاب درباره‌اش بحث کردیم، به قدر کافی خوب بودن چیزی، یک موضوع شخصی و نسبی است. شما خودتان تعیین می‌کنید که به قدر کافی خوب بودن چه معنایی برایتان دارد. شاید شغلی در یک شرکت مشخص باشد یا شغلی با حقوق مدنظر شما. شاید به قدر کافی خوب بودن، داشتن شغلی با یک عنوان مشخص باشد یا فقط شغلی بخواهید که ساعت پایان کار روزانه‌اش مشخص و دقیق باشد تا به این صورت، به جنبه‌های مهم‌تر زندگی خود برسید. شغل به قدر کافی خوب شما هر چه که هست، زمانی که آن را دارید، متوجهش شوید. چون فقط در این صورت است که می‌توانید به نصیحت پدر تونی موریسون، نویسنده و برنده جایزه نوبل که زمانی از یکی از نخستین کارهای عمرش شکایت داشت، عمل کنید: «تو در محل کار خود زندگی نمی‌کنی، کار خود را انجام بده و به خانه بازگرد.»
یکی از دلایل نارضایتی شغلی، تقلای بی‌پایان و از دست رفتن تعادل کار و زندگی این است که بیشتر مردم نمی‌دانند چه می‌خواهند. آنها برای خود مشخص نکرده‌اند که چه چیزی برایشان به قدر کافی خوب است. آنها برای خود هدفی مبهم مشخص می‌کنند و زمانی که به آن می‌رسند، متوجه این دستیابی نیستند. در نتیجه، همواره اهداف مبهم آنها همزمان با حرکت آنها به پیش می‌روند و هیچ‌گاه حس رضایت خاطر به دست نمی‌آید. مشکل آنجاست که تلاش‌های کاری و مالی هیچ انتهایی ندارند و به احتمال زیاد فردی که در همین لحظه احساس رضایت (دست‌کم از رسیدن به اهداف گذشته‌اش) ندارد، هیچ‌گاه نیز به آن نخواهد رسید. چنین نگرش و رفتار رایجی نسبت به کار و مشاغل را می‌توان نوعی حرص، شهوت و شرطی‌شدن ذهن دانست، پس از آنکه برای نوشتن این کتاب، با صدها فرد مختلف مصاحبه کردم و ساعت‌های زیادی با شخصیت‌های اصلی این کتاب به گفت‌وگو نشستم، پی بردم همه آنهایی که سالم‌ترین رابطه را با کار خود دارند، یک وجه مشترک دارند: همه آنها خودشناسی خوبی داشتند و می‌دانستند فارغ از شغل و حرفه خود چه کسی هستند. شاید به همین دلیل بود که مجبور نبودند برای فرار از خود و افکارشان غرق در کار شوند.
در نتیجه برخی از آنها شغل خود را ترک کرده بودند، برخی فقط به طور پارموقت کار می‌کردند، برخی به هر حقوقی رضایت نمی‌دادند، برخی بی‌توجه به مسائل مالی به شغل دلخواه خود روی آورده بودند یا کسب‌وکار خود را راه انداخته بودند. البته که همه آنها اوقات فراغت زیادی داشتند که آن را با خانواده، طبیعت‌گردی یا فعالیت‌هایی مثل آشپزی و نوشتن و نقاشی می‌گذراندند.
اما برای آنکه ارزش خود را فقط در کار و شغل خود نبینیم، لبتا باید این موضوع را درک کنیم که هیچ رئیس یا عنوان شغلی یا شرایط بازار، قدرتی بر ما و ارزش‌مان ندارد. به گفته موریسون «شما کاری نیستید که به آن مشغولید؛ شما وجود مستقل و ثابتی هستید که از هیچ پدیده بیرونی یا حتی درونی تاثیر نمی‌پذیرد.» شغلی که بسه اندازه کافی خوب باشد، شغلی است که به شما اجازه بودن به شیوه کنونی خود و تبدیل شدن به جنبه دلخواه خودتان را بدهد.
من این کتاب را با سوالی ساده آغاز کردم: شما چه کار می‌کنید؟ شغلتان چیست؟ به طور معمول، این سوال، آغازگر هر مکالمه‌ای در فرهنگ امروزی آمریکا و بسیاری از کشورهای جهان شده است؛ انگار عموم مردم ناخودآگاه بخش اصلی هویت و ارزش خود را از شغل می‌دانند. اکنون که به پایان کتاب رسیده‌ایم، پیشنهادی برای تغییر این بخش متعارف از مکالمات روزمره دارم. کل کاری که لازم است، تغییر این جمله با اضافه کردن یکی دو کلمه به آن است: «نوست دارید چه کاری بکنید؟» چنین سوال جدیدی به شما اجازه می‌دهد که احتمالات و فرصت‌ها را ببینید و خود را بر اساس نظرات و ترجیحات شخصی‌تان تعریف کنید. شاید دوست داشته باشید که کتاب‌های علمی-تخیلی بخوانید. شاید علاقه به آشپزی و پخت غذاهای مدیترانه‌ای داشته باشید. شاید بخواهید نقاشی کنید یا چیزی بنویسید. شاید حتی بخواهید این علایق را به عنوان حرفه شغلی خود دنبال کنید. شاید هم نه. شاید همین برایتان کافی باشد.

مترجم: مهدی نیکوئی
برگرفته از کتاب: شغل کافی / نوشته: سیمون استانلزوف

لیست سیاست‌های اصلاحی برای «اصابت تصمیمات به هدف» در بافت‌های فرسوده

مساله بافت فرسوده و تبعات زندگی در این مناطق به لحاظ امنیتی و اجتماعی تبدیل به دغدغه مهمی میان مدیران شهری در کشور شده است؛ آمارها نشان از آن دارد که بیش از ۱۹ میلیون نفر در کشور در بافت فرسوده زندگی می‌کنند. طی سال‌های گذشته و در دولت‌های مختلف بسته‌های تشویقی به‌منظور ترغیب نوسازی بافت فرسوده شهری به تصویب رسیده است؛ اما میزان اثرگذاری این بسته‌های تشویقی در نوسازی بافت فرسوده محدود بوده است. عدم‌نوسازی در مناطق پوسیده (بافت فرسوده) باعث شده تا بخشی از ساکنان بومی این مناطق با هدف دستیابی به زندگی باکیفیت‌تر و برخورداری از خدمات شهری مطلوب‌تر به سایر مناطق شهری مهاجرت کنند. در عین حل بخشی از نوسازی در بافت فرسوده شهری طی سال‌های اخیر در مسیر اعیان‌سازی پیش رفته است؛ این موضوع با افزایش هزینه تامین مسکن مناسب در این مناطق بخشی از ساکنان آن را مجبور به مهاجرت اجباری کرده است. درواقع مدیریت ناکارآمد شهری در بافت فرسوده به حذف ساکنان بومی از این مناطق و اضافه شدن ساکنان جدید به آن انجامیده است. این رویه بافت فرسوده را به محلی برای پذیرش مهاجران جدید بدل کرده است؛ مهاجرانی که بخشی از آنها را اتباع غیرایرانی تشکیل می‌دهند. بخش قابل‌توجهی از بافت فرسوده کشور فاقد استاندارد‌های معمول زندگی است؛ این عیب اگرچه به خروج جمعیت بومی از این مناطق منجر شده، اما همزمان باعث بافت فرسوده به محلی برای پذیرش مهاجران شده تا هزینه تامین مسکن در این مناطق پایین‌تر از سایر مناطق باشد و بنابراین بخشی از اتباع خارجی که از توان مالی برای تامین مسکن باکیفیت برخوردار نیستند، سراغ این مناطق بیایند.
تغییر یکباره بافت جمعیتی در هر محله‌ای می‌تواند به‌پایداری اجتماعی منجر شود؛ بنابراین کارشناسان توسعه شهری، بر لزوم نوسازی بافت فرسوده با حفظ هسته جمعیت بومی تاکید دارند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی کارشناسی به بررسی دلایل عدم‌موفقیت طرح‌های پیشین در زمینه نوسازی بافت فرسوده شهری پرداخته و در عین حل به ارائه راهکارهایی به منظور تحقق نوسازی این مناطق با حفظ پایداری اجتماعی (حفظ ساکنان بومی) پرداخته است. مناطق پوسیده شهر تهران عمدتا شامل تهران قدیم و مناطق حاشیه‌ای آن در منطقه ۱۲ و ۱۵ شهرداری تهران می‌شود؛ در سایر شهرها نیز این بافت فرسوده وجود دارد و در اغلب شهرها این بافت فرسوده، زمانی هسته اصلی شهرها را تشکیل می‌داد.

چرا بافت فرسوده نوسازی نشد؟

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «واکاوی تبعات نوسازی بافت فرسوده از منظر اعیان‌سازی و ارائه رهنمون‌های پیشنهادی» به بررسی روند نوسازی بافت فرسوده در کشور و دلایل عدم‌موفقیت این طرح‌ها پرداخته و با بررسی نمونه‌های مشابه خارجی که به نتیجه منظور نیز نرسیده‌اند؛ پیشنهادهای کارشناسی برای تحقق نوسازی در بافت فرسوده شهری را مطرح کرده است. طبق توصیه کارشناسان شهری، اعیان‌سازی محله‌های ضعیف و ناکارآمد و فرسوده، ضروری است اما بدون توجه به شروط تکمیلی آن، این اعیان‌سازی منجر از ادامه زندگی قدیمی‌های محل شده و در نهایت باعث می‌شود، سیاست نوسازی محله به هدف اصلیت نکند.
پنج رویه نادرست از سوی مدیران شهری باعث شده تا نوسازی بافت فرسوده به نتیجه مطلوب نرسد: اجبار سازندگان به تامین ۱۰۰ درصدی پارکینگ مانع اول در مسیر نوسازی بافت فرسوده است. در حالی که بخش قابل‌توجهی از ساکنان این مناطق احتمالا از خودروی شخصی برخوردار نیستند شهرداری سازندگان را ملزم به تامین ۱۰۰ درصدی پارکینگ می‌کند. این در حالی است که حذف تامین پارکینگ با کاهش متراژ مشاعات به‌افت هزینه تولید می‌انجامد و در عین ترغیب صاحبان ملک برای نوسازی باعث حفظ بخشی از ساکنان بومی در منطقه می‌شود. در عین حال حذف الزام تامین ۱۰۰ درصدی پارکینگ باعث می‌شود تا امکان ساخت واحدهای کوچک‌متراژ نیز در این مناطق فراهم شود.
تبیین ضوابط تراکم به نحوی که مالکان قدیمی از آن منتفع نمی‌شوند، مانع بعدی در مسیر عدم‌نوسازی بافت فرسوده است. املاک در بافت پوسیده تهران قدیم عمدتا متعلق به ساکنان بومی است؛ ضوابط تراکم در سال‌های گذشته به نحوی بوده است که در برهه‌هایی از زمان، سازنده تنها منتفع نوسازی بوده و در برهه‌هایی با کاهش مجوز تراکم در این مناطق؛ حتی سازنده نیز از مشارکت در ساخت در این مناطق منتفع نشده است. این وضعیت به شدت از میزان پروژه‌های مشارکت با هدف نوسازی کاسته است.
عدم‌تعریف تسهیلات مالی ارزان به‌منظور تشویق صاحبان خانه‌های قدیمی برای نوسازی از دیگر موانع نوسازی بافت فرسوده شهر تهران بوده است. در حالی است که سیاستگذار می‌توانست با افزایش سقف وام، نرخ پایین سود، توسعه تخفیف اشتغالات و تخفیف در هزینه‌های شهرداری نوسازی در بافت فرسوده شهری را جذاب کند. البته ارائه این تسهیلات باید با تعهد مالکان و سازندگان برای اجاره با نرخ مناسب برای اقشار با درآمد کم و متوسط انجام شود، تا به این ترتیب، مانع اخراج اجباری ساکنان بومی از این مناطق به دلیل رشد هزینه‌های تامین مسکن شود.
طرح ترافیک سیاست منفی دیگری است که طی سال‌های اخیر باعث تسریع خروج ساکنان بومی از تهران قدیم شده است. درواقع اجرای این طرح در عین عدم‌توسعه حمل‌ونقل عمومی باعث شده تا بخشی از تهران قدیم خالی از سکنه بومی و تبدیل به منطقه تجاری و اداری یا محلی برای زندگی ساکنان جدید که عمدتا اتباع غیرایرانی هستند، شود.
در کنار مواردی باشده عدم‌تعادل در سیاست نوسازی مسکن در بافت فرسوده باعث شده تا امروز این مناطق برای سه گروه متقاضی کم‌درآمد، درآمد متوسط و با درآمد بالا گزینه مناسب برای زندگی را ارائه نکنند. این در حالی است که پایداری اجتماعی در یک منطقه شهری نیازمند آن است که یک محله برای سه گروه ضیف، متوسط و تولمند به لحاظ درآمدی خانه مناسب برای عرضه داشته باشد.
در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص واکاوی تبعات نوسازی بافت فرسوده به کرات از واژه اعیان‌سازی استفاده شده است و در عین بیان مزایای این اعیان‌سازی به بیان مضرات آن نیز پرداخته شده است. اعیان‌سازی به زبان ساده تغییر و تحول در محدوده‌ای از شهر است که با نقل مکان ساکنان آن به‌محلات پایین شهر همراه است. این تغییرات اغلب منتج به دگرگونی فرهنگ و هویت محله‌ای می‌شود. بنابراین زمانی اعیان‌سازی فرآیندی معلوب شناخته می‌شود که نوسازی بافت فرسوده با حفظ جمعیت بومی باشد.

رفبای نوسازی بافت فرسوده در دولت‌های مختلف

طی دهه‌های گذشته مدیران شهری سیاست‌های مختلفی را به منظور نوسازی بافت فرسوده در ایران اجرایی کرده‌اند که البته به نتیجه مطلوب نیز منجر نشده است. تبیین طرح‌های مختلف به‌منظور ساخت مسکن و تخصیص اعتبارهای سنگین دولتی به این طرح‌ها یکی از موانع اصلی نوسازی بافت فرسوده در کشور بوده است. این در حالی است که بافت فرسوده دارای زیرساخت مناسب بوده و اگر دولت‌ها نوسازی این بافت را با حمایت ملی و بسته‌های مشوق در دستور کار قرار می‌دادند با هزینه کمتری به نتیجه مطلوب‌می رسیدند.
طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ رویکرد دولت در خصوص تامین مسکن در توسعه بافت منفصل شهری (مسکن مهر) متمرکز بود و همین موضوع باعث کاهش توجه به ضرورت احیای بافت فرسوده در کشور شد. در ادامه در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، مجدد توجه به بافت فرسوده شهری و توسعه اعیان‌سازی در این مناطق مورد توجه سیاستگذاران دولتی قرار گرفت. این موضوع باعث شد تا به صورت متوسط سالانه ۱ تا ۲ درصد از بافت فرسوده شهری نوسازی شود؛ این در حالی بود که در برنامه ششم توسعه و در ذیل قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی هدف نوسازی ۲۰ درصدی بافت فرسوده شهری تعریف شده بود.
در ادامه طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نیز سیاستگذاران شهری دو رویکرد توسعه بافت‌های منفصل شهری در قالب نهضت ملی مسکن و همچنین ارائه بسته‌های تشویقی شهرسازی برای نوسازی بافت فرسوده شهری را پیگیری کردند. این رویه‌ها باعث شد تا صدور پروانه نوسازی در بافت‌های فرسوده افزایش یابد. با وجود این طی این دوره زمانی نیز ساخت مسکن ملی با الحاق زمین به شهرها در اولویت بیشتری نسبت به نوسازی بافت فرسوده شهری قرار داشت؛ به نحوی که تسهیلات ساخت مسکن ملی بالاتر از تسهیلات ساخت مسکن در بافت فرسوده بود. این سیاست نیز غیر کارشناسی بود و باعث شد تا بخش قابل توجهی از سرمایه‌های کشور به جای تزریق به بافت فرسوده به مناطق حاشیه شهرها سوق داده شود.
توجه به نوسازی بافت فرسوده تنها مربوط به ایران نیست؛ این موضوع با هدف بهبود کیفیت محیط‌های شهری در نقاط مختلف دنیا مورد توجه تصمیم‌گیران شهری بوده است. در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تجربه کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی در این زمینه پرداخته شده است. در میان مثال‌های مطرح‌شده ترکیه بیشترین شباهت را با ایران دارد.
محله سولوکوله در استانبول یکی از محلات محروم و فقیرنشین شهر استانبول بود. طرح بازآفرینی شهری سولوکوله در سال ۲۰۰۵ ارائه شد و در ژوئیه سال ۲۰۰۶ موافقت‌نامه‌ای برای تخریب و توسعه مجدد در سال ۲۰۰۹ امضا شد. مدیران شهری توسعه این منطقه را با خرید اجباری زمین از ساکنان بومی و دروقع اخراج آنها از محل زندگی خود اجرایی کردند؛ در سال ۲۰۰۹ ساکنان بومی به طور کامل از منطقه تخلیه شدند و در سال ۲۰۱۰ کار بازسازی آغاز شد. کار نوسازی این محله به تخریب کامل محله سولوکوله و تخریب بناهای ارزشمند آن انجامید. در نهایت نیز پس از بازسازی بخش قابل‌توجهی از ساکنان بومی به دلیل هزینه نتوانستند به محله بازگردند و از همین رو از این طرح با عنوان یک نمونه شکست‌خورده یاد می‌شود.
نمونه ناموفق داخلی نوسازی بافت فرسوده شهری در محله ثواب شهر تهران نیز اجرایی شد. مطالعات طرح ثواب از سال ۱۳۴۵ آغاز شد از اهداف ابتدایی این طرح در سال ۱۳۶۹ اجرای بزرگراه ثواب به‌عنوان شاهراه اتصال نواحی شمالی و جنوبی شهر تهران و ایجاد ارزش افزوده در این منطقه با هدف تحریک احیای بافت فرسوده در مجاور این بزرگراه بود. برای اجرای این طرح حدود ۳هزار ملک مسکونی شامل ۶هزار خانوار مجبور به کوچ اجباری از محله قدیمی خود شدند و تعداد زیادی مراکز فرهنگی و اجتماعی نیز تخریب شد. در عین حال اجرای این پروژه عظیم به جهش یکباره قیمت مصالح ساختمانی در کشور انجامید. اما در نهایت پس از گذشت سال‌ها از اجرای آن، نتنها هدف نهایی محقق نشد که روح پویایی محله با نارضایتی ساکنان از کمبود خدمات و ناامنی به لحاظ مهاجرت گسترده ساکنان بومی از میان رفت.

راضیه احقاقی

جلسه بررسی مشکلات و معضلات انبوه‌سازان کشور

به گزارش پیام آشنا، جلسه بررسی معضلات و رفع موانع و مشکلات انبوه‌سازان به ریاست مسعود بیات منش معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، سعید شاهین‌فر مدیرکل دفتر طرح‌ریزی و پایش طرح‌های مسکن وزارت راه و شهرسازی، داوود دانشگر مدیرکل دفتر توسعه مهندسی وزارت راه و شهرسازی، وحید داعی مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی، هیئت‌مدیره کانون سراسری انبوه‌سازان ایران و رؤسای هیئت‌مدیره انجمن‌های انبوه‌سازان سراسر کشور برگزار شد.
وحید داعی مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی ضمن خوش آمد گویی به مدعوین به بیان مشکلات انبوه‌سازان از جمله تعارض در قوانین، مقررات و.. پرداخت و راهکارهای لازم را در راستای مرتفع نمودن این معضلات ارائه کرد.
گفتنی است این جلسه در حاشیه سفر مسعود بیات منش معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی به استان خراسان رضوی در راستای بهینه‌سازی مسیر انبوه‌سازی در کشور و استان تشکیل شد.

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی مشکلات و معضلات انبوه‌سازان کشور در جلسه‌ای با حضور معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، مدیرکل دفتر طرح‌ریزی و پایش طرح‌های مسکن وزارت راه و شهرسازی، مدیرکل دفتر توسعه مهندسی وزارت راه و شهرسازی و مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی بررسی شد.

نخستین محله زرتشتی نشین تهران کجاست؟

اولین محله زرتشتی‌نشین تهران در محدوده خیابان سی تیر شکل می‌گیرد. ارباب جمشید جمشیدیان و ارباب کیخسرو شاهرخ دو تن از بزرگان زرتشتی بودند که در شکل‌گیری اولین محله زرتشتیان تهران نقش اساسی داشتند.
نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، درباره حضور اقلیت زرتشتی در تهران قدیمی می‌گوید: «ارباب جمشید تلاش کرد تا شغل قدیمی زرتشتیان که کشاورزی بود را به تجارت تغییر بدهد. در ابتدا فقط مردان خانواده را از شهرهای یزد و کرمان برای کار در تجارت‌خانه خود به تهران آورد، اما به مرور زمان شرایطی را فراهم کرد تا کار کنانش در محدوده منزل و باغ او سکونت یابند. در نتیجه اولین محله زرتشتی‌نشین در اطراف منزل ارباب جمشید، بین خیابان لاله‌زار و فردوسی فعلی، شکل می‌گیرد که هنوز هم آن خیابان را به نام خیابان ارباب جمشید می‌شناسند. همچنین در همین اراضی زرتشتیان است که اولین مدرسه مدرن زرتشتیان جمشید جم، مدرسه فیروز بهرام و انشکده آدریان تهران شکل می‌گیرد.»
اولین مهاجر زرتشتی به تهران از اجداد ارباب کیخسرو شاهرخ بود که همراه با آقا محمدخان قاجار به این شهر آمد. اولین زرتشتیان تهران برای شغل باغبانی در دربار و به وسیله درباریان به تهران آورده شدند.

نرباروزبهانی

پاسخ شهرداری به ابهام توقف اتوبوس‌های برقی چینی در گمرک

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی شهرداری تهران در مورد ابهامات وارادت اتوبوس‌های چینی و ماندن آنها در گمرک توضیحاتی ارائه کرد.

به گزارش پیام آشنا، مهدی علیزاده در حاشیه جلسه شورای شهر تهران در جمع خبرنگاران با بیان اینکه بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تعداد ۱۱۰ دستگاه اتوبوس برقی در مرحله اول وارد تهران می‌شود، گفت: ۱۰ اتوبوس برقی از بارت اول وارد گمرک شده است اما به‌نام شهرداری تهران نیست و شرکتی در حال ترخیص است و این اتوبوس‌ها برای شهرداری تهران است.
وی با بیان اینکه بر اساس وعده چینی‌ها اولیل آبان ماه ۱۰۰ دستگاه اتوبوس برقی دیگر هم وارد کشور می‌شود، افزود: در پارت اول ۱۰ اتوبوس می‌رسد و اولیل آبان ماه ۱۰۰ دستگاه دیگر وارد شده و پارت اول تکمیل می‌شود.
مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مورد زمان بهره‌برداری از اتوبوس‌های چینی در تهران نیز گفت: برنامه‌ریزی برای تردد این اتوبوس‌ها در مرکز شهر است و در خطوط مرکزی تردد می‌کنند.
وی در مورد زمان متفاوت ورود اتوبوس‌های چینی با تأکید بر اینکه ماهر روز پیگیری می‌کنیم که اتوبوس‌ها بدون تأخیر وارد شود و براساس قولی که چینی‌ها می‌دهند ما هم آنها را برای مردم بیان می‌کنیم، در مورد دلیل بدقولی خودروسازان داخلی نیز اظهار کرد: در بحث تعهدات مالی به قول‌های خود عمل کردیم؛ اما سرعت تولید کم است و بعد از سال‌ها شروع به ساخت اتوبوس کردند.

دیدگاه

تعداد معماران بیش از اندازه است، تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است

ایلیاز تکلیس

ما «معماران» با خودنمایی‌های عنان‌گسیخته خود معماری را بی‌جهت دشوار می‌کنیم. اگر بپذیرید که معماری از زیبایی مشترک پیروی می‌کند -چنانکه همیشه کرده است- آنگاه به این ترتیب «می‌توان گفت که معماری» آسان است. البته که فرهنگ‌های معماری‌ای وجود دارند که منعکس‌کننده تفاوت‌های تمدنی بوده‌اند، و همواره معماران خوبی وجود دارند که معماری بهتری تولید می‌کنند؛ نسبت به دیگرانی که این کار را نمی‌کنند. این امر مسئله کاملاً متفاوتی را پیش می‌کشد: این که تعداد معماران بیش از اندازه است، تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است.
«...» به نظر من باید مدارس معماری خوب و مدرسان معماری خوب وجود داشته باشند، اما «در حال حاضر» تعداد بسیار بسیار زیادی «مدرسه و معلم معماری» وجود دارد و همه آنها خوب نیستند. همانطور که لئون ؛کریر» سال‌ها پیش گفت، نصف مدارس معماری باید تعطیل شود. ورود به مدرسه معماری باید سخت‌تر باشد، و معیار پذیرش نباید بر اساس الزامات درآمدی مدرسه‌ها باشد. باید راه‌های بیشتری برای تسهیل انتقال دانشجویان به رشته‌های دیگر پس از سال اول «تحصیل در معماری» وجود داشته باشد. گفتن «این موضوع» به دانشجویان در ابتدای تحصیلشان مسئولیت مهمی است که متأسفانه در نظام آموزشی امروز کسی آن را بر عهده نمی‌گیرد. دو سال اول تحصیل در معماری باید آزمایشی باشد، اما «این دو سال» باید همچون اعتبار برای تحصیل در رشته‌ای دیگر محاسبه شود. یک نفر باید آنچه را دانشجویان در آن استعداد دارند کشف کند. در این سطح، تدریس تا حدی شبیه بازی کردن نقش یک قابله معماری است «که قابلیت‌های دانشجویان را شناسایی و به منصه ظهور می‌رساند». (در گفت‌وگو با **Cynthia Davidson**، منتشر شده در مجله **Log**، شماره ۳۰، سال ۲۰۱۴)

منبع: گفتار

محیط زیست

آغاز به کار اجلاس «کاپ۱۶ تنوع زیستی» در کلمبیا

رهبران جهان، فعالان محیط زیست و محققان برجسته برای شرکت در اجلاس تنوع زیستی وارد «کالی» در کلمبیا شده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، کارشناسان می‌گویند این نشست بین‌المللی برای تعیین سرنوشت جمعیت حیات وحش جهان که به سرعت در حال کاهش است، تعیین کننده خواهد بود.
کشور میزبان همچنین امیدوار است این اجلاس که امروز (دوشنبه) به طور رسمی آغاز به کار می‌کند، فراگیرترین اجلاس در تاریخ باشد.
انتظار می‌رود اجلاس تنوع زیستی سازمان ملل متحد موسوم به کاپ۱۶ (Cop۱۶) با هدف حفاظت از گیاهان و جانوران جهان، پذیرای ۱۹۰ کشور و ۱۵ هزار شرکت‌کننده باشد.
بوم‌شناسان هشدار می‌دهند اکوسیستم‌های ارزشمند زمین در حال رسیدن به نقطه‌ای هستند که فقرافش گونه‌ها می‌تواند شتاب بگیرد.
به گزارش روزنامه گاردین، یکی از مقامات کلمبیا گفت: فرصت حضور در کاپ۱۶ برای همه می‌تواند راهی درست برای مشارکت با کسانی باشد که نگران کاهش جهانی تنوع زیستی هستند اما نمی‌دانند چگونه در این زمینه کاری انجام دهند.
وی اظهار کرد: بررسی‌های ما نشان می‌دهد ۴۶ درصد کلمبیایی‌ها نگران وضعیت منابع طبیعی هستند و از هر ۱۰ نفر، ۷ نفر مایلند برای کاهش از دست دادن تنوع زیستی اقدام کنند. این یک فرصت باورنکردنی برای آموزش و بسیج آنها برای حفاظت از محیط زیست است.
در اجلاس کاپ۱۶ این اولین باری است که کشورها برای بحث در مورد تنوع زیستی جهانی از زمان توافق «کونمینگ-مونترال» در سال ۲۰۲۲، زمانی که رهبران جهان یک سری تعهدات بی‌سابقه برای حفاظت از جهان طبیعی دادند، ملاقات می‌کنند.
بوم‌شناسان می‌گویند جمعیت حیوانات، گیاهان، قارچ‌ها و میکروارگنیسم‌های جهان تحت فشار جنگل‌زدایی، آلودگی و بحران آب و هوا در حال فروپاشی است.